



خبرنامه

- اطلاعیه شماره ۱ کومه له - کامیاران درباره :
- توطئه اخیر مرتجعین رزگاری در منطقه ..
- تظاهرات شبانه شکلی نوین از مبارزات مردم مهاباد ..

عملیات تعرضی بی سابقه و حماسی پیشمرگان کومه له در مرکز شهر سنقر مناسبت بزرگداشت دوین سالگرد شهادت کاک فواد

- همکاری فعال ، شورانگیز و یکپارچه مردم شهر را به صحنه نبردی همگانی علیه رژیم تبدیل کرده بود .
- بیش از ۸۰ تن از نیروهای دشمن کشته و تعداد زیادی زخمی شدند .
- ۴۰ تن از آنان به اسارت پیشمرگان کومه له درآمدند

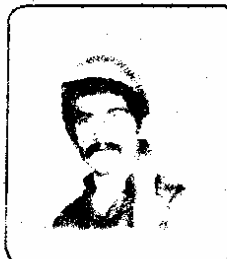
در عملیات شهید فواد در سنقر که تا بحال در جنبش مقاومت بی نظیر بوده است :

در این عملیات جسورانه سه تن از پیشمرگان رزمنده و آگاه کومه له به شهادت رسیدند

پیشواز وسیع و خروشان مردم مبارز بوکان از پیشمرگان کومه له بعد از نبرد ، یاد آور روزهای تاریخی قیام .



فغیق شهید ابونکرا حمیدی



فغیق شهید ناصر خطیبی



فغیق شهید محمد سرج زاد

در این عملیات جسورانه سه تن از پیشمرگان رزمنده و آگاه
کومه له به شهادت رسیدند



فیق شهید
ابو کراحمیدی



ریبازی کفروله
ناصر خلیفی



محمد شهید
محمد رح زاد

عملیات تعرضی ...

۶۰/۶/۵ - غروب این روز، خیابان‌ها و کوچه‌های شهرسفرزها هدیگی از پرشورترین نبردهای پیشمرگان انقلابی علیه نیروهای سرکوبگر رژیم بود. شاهد دلوری بهیشتی و جانبازیهای کم نظیر پیشمرگان کومه‌له و پشتیبانی و همکاری فعال و همگانی مردم شهر از آنان بود. و سیزشاهد خشم و نفرت عظیم نوده‌های شهرار رژیم و عشق فراوان آنان به انقلاب و آزادی و دموکراسی!

همچنین این شهر مبارز شاهد جوش و خروش پیران و جوانان و زنان و مردانی بود که با تمام وجود در راه مبارزه گام نهاده‌اند. در ننگ غروب این روز صدای رگبار مسلسل پیشمرگان کومه‌له هماهنگ با جوش و خروش انقلابی نوده‌ها جشن سرخی آفریده بود که مرگ رژیم را سوید میداد.

در این روز پیشمرگان کومه‌له بمناسبت دومین سالگرد نهادت کاک فوآد دست به عملیات تعرضی وسیعی علیه نیروهای دشمن در داخل شهرسفرز زدند. در این عملیات با برنامه - که در تاریخ سه ساله جنبش مقاومت - در سوخ خودکم نظیر است - ضربات سختی بر نیروهای دشمن وارد آمد:

پیشماری کومه‌له

مدها نفر از جوانان و مردم شهر صورت خود را بستند و عملاً پیشمرگان را یاری میدادند. هر چند پیشمرگان به آنها تذکر میدادند که ممکن است تیر بخورند و لسی آنها لحظه‌ای پیشمرگان را تنها نمی‌گذاشتند.

دو کودک خردسال گاه‌گاهی با لحن کودکانه تکرار میکردند: " پیشمهر که گیان فدا بئان نسویم - پیشمهر که گیان تورا به خدا ما را ترک نکنید."

یکی از پیشمرگان که در بخت‌خانه‌ای که شماره خورده بود می‌رسد و میخواهد مادری را که دو فرزند خردسالش زخمی شده بود، دل‌داری دهد با چنین جوابی روبرو میشود: " این دو فرزندم ارزشی ندارند، آرزو می‌کردم تعداد بیشتری فرزندم داشتم همه را در راهی که شما هستید فدا می‌کردم؟"

● پیشمرگان کومه‌له (پل شهید هوشنگ نوحیدی رهسفرز، پل شهید حسن هرمزی و پل شهید محمد حسین کریمی) ساعت ۱۲ این روز در حالیکه در بیشتر نقاط حساس و مرکزی شهر مستقر شده بودند، تعرض همه‌جانبه خود را از چندین نقطه آغاز نمودند. در لحظات اول، در دو محل ۸ نفر ارتشی را به اسارت گرفتند، سرو صدای در شهر پیچیده و همگی از وجود پیشمرگان آگاه شده بودند. عملیات سریع، غافلگیرانه و گنج کسند بود. در قایق اول عمده‌ای از پیشمرگان به کتابخانه سپاه پاسداران واقع در خیابان پهلوی سابق که در آن اکثر مسئولین جهاد، سپاه و دایره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش جمع شده بودند حمله نمودند و پیشمرگان انقلابی کاک نامرئین از خالی کردن یک

مادری که دو فرزندش با ترکش شماره مزدوران زخمی شده بودند در برابر دل‌داری پیشمرگان گفت:

" این دو فرزندم ارزشی ندارند، آرزو می‌کردم تعداد بیشتری فرزندم داشتم و همه را در راهی که شما هستید فدا می‌کردم."

در جاشی دیگر پیرمردی یک گلوله بزرگ نخعی بدست گرفته بود و فوراً دست هراسبری را که پیشمرگان میگرفتند، می‌بست.

در بیشتر صحنه‌ها مردمی را می‌دیدید که با چوب و سنگ به کمک پیشمرگان می‌آمدند. آنها خود به یک گروه‌ندارگانی وسیعی تبدیل شده بودند. آنها دست اسیران را می‌بستند و کوسی برای تهیه برانکارد آوردند و آب و سرسیر سیکار در دستگیر پیشمرگان تقسیم میکردند. پیام‌ها را به پیشمرگان و مسئولین میرساندند و ... وقتی پیشمرگان به آنها می‌گریسند که به سرما احتیاج داریم، آنان در بر قضا و رشید تیراندازی بی‌امان، داروخانه

ختاب بر روی مزدوران در اثر تیراندازی یکی از پاسداران بشهادت رسید. در این حمله تعداد زیادی از مزدوران به هلاکت رسیدند. جنازه نهیدنا صرفواً به جای امنی منتقل شد. هوروه دقیقه از درگیری نگذشته بود که پیشمرگان ۱۷ تن از افراد دشمن را اسیر کردند.

در کبری در همه جبهه‌ها و بیشتر کوچه‌ها وجود داشت. بی‌سیم فرماندهی پاسداران با زنده و مرتنا پیام میفرستاد. در شهر مقرر پاسداران و ارتشیان وجود داشت ولی بعضی جاها نظیر مسجد حسینی و مغایرات به محل اجتماع فراریان تبدیل شده بود.

(بقیه از صفحه ۲)

دولتی را در بهداری صادره و حدود ۱۰ گونی داروبه واحدهای پزشکی پیشمرگان تحویل میدهند. زنان، مردان و دختران هرکدام کاری میکنند. حثسلا بیرونی برای پیشمرگان که در حوالی خانه اش مستقر شده بود، آب می آورد، در این هنگام پیشمرگان مشغول با زرسی دومزدور بودند. بیرون آب را به پیشمرگان میدهد و خود به بستن دست مزدوران میپردازد.

فرمانده پادگان دستور محاصره اطراف شهر را از بیسیمها در می کند، فرمانده ستون جواب میدهد که امکان ندارد بتواند وارد شهر شود.

بسیما از نقاط مختلف به فرمانده گزارش میدهند، بیشتر گزارشا از درمانگی مزدوران حکایت میکند، به مکالمات فرمانده با عدهای از مزدوران که در حسینیه مخفی شده بودند، توجه کنید:

فرمانده: "حالتان چطور است؟ اوضاع را گزارش دهید."

جواب: "بیشتر بچهها را کومه له گروگان گرفته است. عدهای به مخبرات رفته اند. شما یک تانک بفرستید، ما در زیر تانک به مخبرات رفته و از آنجا با کمک آنها گروگانها را آزاد میکنیم."

فرمانده: "گروگانها را کومه له برده فاتحهاش را بخوانید، شما فقط در فکریجات خودتان باشید. تانک نمیتوانیم بفرستیم، آنها همه (خیابان) ساحلی و پهلوی را گرفته اند."

فرمانده پادگان دیوانه وار پسران هر پیمای مرتباً میگفت ساحلی، پهلوی - ساحلی پهلوی، ساحلی پهلوی...

ساعت ۶/۵ دوهلیکوپتر بمدت نیم ساعت در آسمان ظاهر شدند. سپاه پادگان با لایحه تعرض خود را به سنگرهای حوالی خود شروع کرد ولی نتوانست بیورش را ادامه دهد و بعد از کشته شدن بیش از ۶ نفر مجبور به عقب نشینی شد.

حالا دیگر ساعت ۷/۵ بعد از ظهر است. تاکنون ۳۲ نفر اسیر و مقادیری اسلحه و مهمات به دست پیشمرگان افتاده است، ماشین سوخته و غیر از کاک نامر یکی دیگر از پیشمرگان ماکا که محمد فرج زاده شهید شده است.

بیورش دوم آنها به حوالی سپاه و نقاطی که در دست پیشمرگان است آغاز شد ولی با حمله متقابل رفقای ما رو برو شدند و با لایحه پادگان تعداد زیادی کشته و زخمی عقب نشستند.

در این جریان یکی دیگر از پیشمرگان انقلابی کاک ابوبکر احمدی شهیدت رسید.

نیم ساعت قبل از پادگان ۲ خمپاره ۱۲۰ میلی شلیک شد که سه تائی آن بداخل شهر و ۲ تائی آن بخارج شهر اصابت نمود.

اکنون هوا دار دتا ریک میشود دشمن خمپاره های آتشزابه آسمان شهر پرتاب میکند. تعداد اسیران به ۳۹ نفر رسیده است.

با لایحه در ساعت ۸/۵ پیشمرگان با ۴۰ اسیر و مهمات و سلاحهای بدست آمده و دیگر شهیدان منسده شهر را ترک میگویند.

در این بیورش گسترده بیش از ۸۰ تن از نیروهای دشمن بهلاکت رسیدند. در میان اسیران سه افسر و ۸ درجه دار دیده میشود. بقیه پاسدار، بسیج و سرباز هستند.

پیشواز وسیع و خروشان مردم مبارز بوکان از پیشمرگان کومه له بعد از نبرد یادآور روزهای تاریخی قیام.

مراسم باشکوه تشییع جنازه ۴ رفیق شهیدمان ساعت ۴/۵ بعد از ظهر آغاز شد. جنازه ها را حدود ۴ هزار نفر از مردم مبارز بوکان بسمت گورستان مشایعت میکنند.

بعد از خاکسپاری شهدا، ابتدا یکی از مسئولین کومه له سخنرانی پرداخت و ضمن سخنان خود از شرکت مردم در پیشواز با شکوه و مراسم تشییع جنازه و پشتیبانان نشان از پیشمرگان کومه له سپاسگزاری کرد.

بعد از اشاراتی به نبرد بزرگ سقر، در مورد جنایات رژیم جمهوری اسلامی و لزوم مقاومت و ضربه زدن به آن و همچنین دربارۀ توطئه اخیر مزدوران رژیم و پشتیبانی

بسیاری از شور و احساسات خود همراهی کردند.

چندین ظرف بزرگ شیرینی در طول مسیر بر روی پیشمرگان ریخته شد. هر چند نفر دور پیشمرگی جمع میشدند و به بحث میپرداختند و شرح ماجرا را جویا میشدند.

در جلومقر کومه له، یکی از مسئولین دربارۀ تعرض گسترده دیروز و وضعیت رژیم جمهوری اسلامی به سخنرانی پرداخت.

جنازه رفقای شهیدمان همان شب به بیمارستان بوکان منتقل شد و صبح ساعت ۱۰، پیشمرگان در حالیکه اسراراً همراه خود داشتند و بوکان شدند، پیشواز وسیع مردم آنهسان شورا نگیز بود که به راستی خاطرۀ روزهای تاریخی قیام را در ذهن زنده میکرد.

تعداد استقبال کنندگان بیش از ۷ هزار نفر بودند که از مدخل شهر تا جلومقر کومه له پیشمرگان را در میسان

بیمارستان بوکان منتقل شد و صبح ساعت ۱۰، پیشمرگان در حالیکه اسراراً همراه خود داشتند و بوکان شدند، پیشواز وسیع مردم آنهسان شورا نگیز بود که به راستی خاطرۀ روزهای تاریخی قیام را در ذهن زنده میکرد.

تعداد استقبال کنندگان بیش از ۷ هزار نفر بودند که از مدخل شهر تا جلومقر کومه له پیشمرگان را در میسان

بیمارستان بوکان منتقل شد و صبح ساعت ۱۰، پیشمرگان در حالیکه اسراراً همراه خود داشتند و بوکان شدند، پیشواز وسیع مردم آنهسان شورا نگیز بود که به راستی خاطرۀ روزهای تاریخی قیام را در ذهن زنده میکرد.

تعداد استقبال کنندگان بیش از ۷ هزار نفر بودند که از مدخل شهر تا جلومقر کومه له پیشمرگان را در میسان

بیمارستان بوکان منتقل شد و صبح ساعت ۱۰، پیشمرگان در حالیکه اسراراً همراه خود داشتند و بوکان شدند، پیشواز وسیع مردم آنهسان شورا نگیز بود که به راستی خاطرۀ روزهای تاریخی قیام را در ذهن زنده میکرد.

بقیه در صفحه ۳

شهرخونین و حماسه آفرین سفر، در غروب آتشین و سرخ فام روز پنجم نهر یورش هدیکی ارحما سی تریں ر پرتو ترین صحنه های تعرض انقلابی پیشمرگان کومه له بود. تعرضی بمناسبت بزرگداشت دومین سالگرد شهادت کاک فواد. به یاد زندگی سراسر مبارزه و مرگ قهرمانانه و با الهام از روحیه انقلابی و تعرضی و شهرسفر شاهد صحنه ای سرخ و آریا در فتنه ای صحنه ای از فداکاریها و جانبازیهای باور نکردنی صحنه ای از همکاری توصیف ناپذیر زنان، مردان و جوانان مبارز شهر با پیشمرگان انقلابی خودشان، صحنه ای از پیروزی پیشمرگان سازمان ما بر دشمن زیون و

تا توان، پیروزی بزرگی که وثیقه آن خون ۳ پیشمرک قهرمان و فداکار کومه له بود. آری در این تعرضی ما بقدر، سازمان ما ۳ پیشمرک دلسوز، جسور و کاردان خود را از دست داد. سه رفیق جانباز ما لامل از شورا انقلابی که با شهادت غیر قابل تصور بر مردوران ارتش صحنه ای و پاسداران چهل و سرمایه جمهوری اسلامی یورش برد و جان گرامی خود را فدای آرمان والای کارگران، زحمتکشان و خلق رزمنده کردند. یاد این سرفریق شهید را همراه با یاد رفیق کبیر کاک فواد گرامی میداریم:

به یاد پیشمرک فداکار و آگاه کومه له شهید کاک ناصر خلیقی

رفیق شهید کاک ناصر خلیقی پیشمرکی فداکار و با مسمیت و صداقتی بی نظیر و عشقی سوزان به کسب دانش و هنر انقلابی بود. وی در سال ۱۳۳۷ در یکی از خانواده های متوسط شهرسفر دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی و دوره اول دبیرستان را در همان شهر بیابان رسانید و بدلیل علاقه ای که در ارتباط با خدمت به زحمتکشان در او ایجاد شده بود، شغل معلمی را برگزید و بدین منظور دوره دانشسرای مقدماتی رادر شهرستان خوی بیابان رسانید. در سال ۱۳۵۵ بعنوان سپاهی دانش راهی روستاهای منطقه کاک میاران گشت. پس از اتمام دوره سربازی به زادگاهش برگشت و در روستای " کرسیم آباد " سقر معلم شد. کاک ناصر قبل از سربازی در ارتباط با مبارزان دیگر به عصری فعال در برابر لاپردن سطح آگاهی جوانان، تبلیغ و اشاگری رژیم شاه و پیشبرد جنبش توده ای علیه آن مبدل گردید. در دوران سربازی از نزدیک با زندگی، درد و رنج زحمتکشان و ستمی که از طرف استعمارگران و رژیم دست نشانده امپریالیسم شاه بر آنان میرفته آشنا شده بهمین دلیل پس از بازگشت به زادگاهش، آگاهانه به میان زحمتکشان روستائی رفت و در برابر لاپردن آگاهی و متحد نمودن انسان جهت مقابله با تعرضات فئودالها و با لآخره ماده زحمتکشان توسط زحمتکشان روستاهای سفر فعالیت شایانی به عمل آورد. بعلاوه کاک ناصر معلمی انقلابی و رفیقی دلسوز برای دانش آموزان خود بود. و در برابر لاپردن آگاهی سیاسی فرزندان زحمتکشان و در آموزش سروده های انقلابی نقش فعالی داشت.

او که همیشه و در همه حال با کمیته انقلابی توده ها را همچون آرزویش در دل می پروراند، آنسرا به هدف مبارزاتی خود تبدیل ساخته و با این هدف به دریای خروشان جنبش توده ای علیه رژیم شاه پیوست. کاک ناصر در سال ۱۳۵۸ با سازمان " یکسانی " آشنا شد و در رابطه با آن به فعالیت سیاسی پرداخت و در دور دوم جنبش مقاومت به صف پیشمرگان در آمد و فعالانه در نبردها شرکت جست. در تابستان ۱۳۵۹ بدلیل تعلق خاطر انقلابی به آرمان طبقه کارگر به صف پیشمرگان کومه له پیوست و مبارزه خود را با احساس مسئولیت و شور و فعالیت هر چه بیشتری ادامه داد. وی به علت داشتن روحیه تعرضی در اکثر عملیات از جمله نبرد " دارساروین " که به درهم شکستن ستون ارتشی اعزامی از باند به سردشت منجر گردید و همچنین در عملیات ماده در انقلابی بیسیماهای شیروخورشید و ایاره راه سفر فعالانه شرکت داشت و سرانجام کاک ناصر خلیقی پیشمرک دسته شهید ماحدمصطفی سلطانی، پهل شهید هوشنگ سوحندی از هیئت سرسرو (در سرد قهرمانانه " عملیات شهید فواد " در سفر، غروب روز ۶/۵/۶۰ در یکی از کوچه های زادگاهش به شهادت رسید و پیوسته کاروان جان باختگان راه رهایی کارگران، زحمتکشان و خلق کرد پیوست.



به یاد پیشمرگ انقلابی و آگاه کومه‌له

شهید کاک ابوبکر احمدی

رفیق ابوبکر احمدی پیشمرگ انقلابی و آگاه در سال ۱۳۳۸ در روستای "قبا غکندی" از توابع مهاباد، در خانواده‌ای زحمتکش دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدائی را در این روستا و شهرستان قبا به پایان رسانید. دوره سه ساله راهنمایی را در میاندوآب گذراند و جهت ادامه تحصیل به ارومیه رفت و سال اول هنرستان را که همزمان با اعتلای جنبش در ایران بود، در آنجا گذراند و در همین دوران وارد مبارزات سیاسی گردید. او در جهت بالابردن سطح آگاهی خود مجدداً نه می‌کوشید و فعلاً لایحه اعتراضات و تظاهرات شرکت میکرد.

کاک ابوبکر با برقرار کردن پیوند هر چه بیشتر با زحمتکشان و دوستان خود در روستای قبا غکندی، در جهت بالابردن سطح آگاهی و تشویق آنان به مبارزه فعال بر ضرر رژیم مزدور شاه فعالیت میکرد. کاک ابوبکر تا بستن آنها و اوقات بیکاری خود را با کار در مزرعه یا در کارگاهها، شرکتهای ساختمانی و راهسازی میگذراند. وی با زندگی زحمتکش و رنج و استقامت کارگران و زحمتکشان آشنا بود و نفرت عمیقی از سرمایه‌داران بد داشت. او که پرورش یافته قیام و مآلما ل زشورا انقلابی بود، بعد از پایان سال اول هنرستان دیگر تحصیلات خود را ادامه نداد و زندگی پر شور خود را وقف فعالیت سیاسی و انقلابی نمود.

در ۲۸ مرداد ۵۸ زمانی که خمینی جلاد فرمان هجوم به کردستان را صادر کرد، کاک ابوبکر در تهران در یک شرکت کار میکرد. اما بلافاصله به کردستان بازگشت تا بهتر و از نزدیک بتواند در جریان مبارزات خلق مبارز کرد قرار بگیرد. در دوران اول جنبش مقاومت خلق کرده تبلیغ و افشای گری علیه رژیم پرداخت. او دریافته بود که فعالیت سیاسی و مبارزاتی با یستی در رابطه با یک تشکل انقلابی باشد. لذا با درک عمیق سیاسی به کومه‌له پیوست و اینبار در دوران آتش بس به تبلیغ مواضع سازمان در میان زحمتکشان و توده‌های ستمدیده پرداخت.

رفیق شهیدمان، بعد از شروع دور دوم جنبش مقاومت در اردیبهشت ماه ۵۹ به اراده آهنین به صف پیشمرگان کومه‌له پیوست. ایمان به راهی طبقه کارگر و عشق و علاقه فراوان به کومه‌له، او را در تصمیم و اراده خود پیگیر تر نمود. او همیشه میگفت: "راهائی کارگران و زحمتکشان و پیروزی خط مشی انقلابی کومه‌له برای من بالاتر از همه چیز است و تا پیروزی انقلاب به مبارزات خود ادامه میدهم".

کاک ابوبکر بعد از مدت زمان کوتاهی که در صف پیشمرگان بود، استعداد های انقلابی خود را در زمینه‌های مختلف بروز داد. او نه تنها پیشمرگی جان برکف و فداکار بود، بلکه مانند عنصری پیشرو و آگاه به کار سیاسی و تبلیغ مواضع سازمان در میان هواداران و زحمتکشان اهمیت بسیار میداد. در همین رابطه او جزو اولین کسانی بود که در کمیته تشکیلات روستایی بوکان به فعالیت انقلابی پرداخت. در مدتی که در تشکیلات روستایی کار میکرد، مرتباً در جهت ارتقاء آگاهی تشویق - سیاسی خود میکوشید، وی در زمینه کار سیاسی - تشکیلاتی به تجاربی غنی و انقلابی دست یافت و به کادری آگاه در این زمینه تبدیل شده بود. کاک ابوبکر ارتباط نزدیکی با زحمتکشان و توده هواداران ناحیه بوکان برقرار نمود. ایدئولوژی طبقه کارگر و تجارب غنی خود را به میان آنها انتقال میداد و در جهت پرورش و تربیت زحمتکشان مجدداً میکوشید، رفقای کمیته تشکیلات روستایی بوکان و هواداران تشکیلاتی و رفقای دیگر هرگز فداکاری و شخصیت انقلابی او را از یاد نخواهند برد. سرانجام رفیق ابوبکر احمدی در غروب ۶۰/۶/۵ در سردر قهرمانه شهر سقز بشهادت رسید. یادش گرامی و آرمان و الایش پیروز باد.



به یاد پیشمرگ رزمنده و آگاه کومه‌له

شهید کاک محمد فرج زاد

رفیق شهید کاک محمد، پیشمرگ آگاه و رزمنده کومه‌له در سال ۱۳۳۶ در خانواده‌ای زحمتکش از روستای "له‌گزی" (سقر) بدنیا آمد. کاک محمد هنوز نوجوان بود که پدرش را از دست داد. با فوت پدر، بار سنگین تامین زندگی خانواده بر دوش او افتاد. وی که برای امرار معاش بسه انواع کارهای سخت بدنی روی آورده بود، از همان اوان جوانی با واقعیات تلخ زندگی زحمتکشان آشنا گردید. این زندگی سخت او را بصورت جوانی کاردان بار آورد. بالاخره با تحمل سختیهای زیاد موفق شد در سال ۵۱ وارد هنرستان صنعتی سنندج گردد. وی سپس در رشته فیلزکاری در دانشسرای راهنمائی کرمانشاه، دیپلم گرفت و معلم شد.

رفیق محمد پیش از قیام در تمام تظاهرات، اعتصابات تحصن‌ها و دیگر مبارزات فعالانسه شرکت داشت و پس از قیام نیز در "جمعیت طرفدار زحمتکشان و حقوق خلق کرد" در سقر فعالیت‌های سیاسی خود را بصورت گسترده ترو متشکل تری ادامه داد.

رفیق محمد در کارهای سیاسی - تشکیلاتی با رفتار صمیمی خود بزودی اعتماد و محبوبیت خاصی در میان دیگر رفقاییش کسب کرد. در دوران اول جنبش مقاومت در راه کومه‌له، در تشکیلات شهر به فعالیت مشغول بود و با شروع یورش دوم رژیم به کردستان به صف پیشمرگان کومه‌له پیوست. وی به هنگام نبرد نمونه‌ای از شجاعت و جانبازی بود و در اوقات دیگر در جمع رفقا بطور خستگی ناپذیری به کارهای مقرر میرسید.

شهید محمد در طول زندگی کوتاهش توانسته بود آگاهی انقلابی خود را با لایبرده و روز بروز پسر تکامل فکری و مبارزاتیش بیافزاید، او بر استی پیشمرگ واقعی کارگران و زحمتکشان ایران، پیشمرگ انقلابی خلق کرد بود. هنگامیکه در غروب روز ۶/۵/۶۰ کاک محمد در نبرد روی با مزدوران جمهوری اسلامی مجروح گردید و بوسیله رفقای پیشمرگ و جوانان سقرازمینه نبرد دور میشد با روحیه‌ای رزمنده سرود "من پیشمرگه‌ی کوردستانم" را میخواند. زخم عمیق گلوله دشمن شدت خون ریزی میکرد. واحد پزشکی پیشمرگان کومه‌له به دارو نیاز داشت، ظرف مدت کوتاهی جوانان سقر، این فرزندان انقلاب زیر باران گلوله حدوده‌اگونی دارو به آنجا رساندند، اما متأسفانه معالجات مقدماتی مؤثر واقع نشد و کاک محمد فرج زاد پیشمرگ رزمنده کومه‌له از دست شهید اسماعیل یگانه دوست (پل شهید هوشنگ توحیدی - هز پیشرو) در بستری از اشک و خون برای همیشه دیده از جهان فرو بست و جان خود را وثیقه پیروزی آرمان والایش نمود.

آخرین لحظات زندگی سرخ شهید محمد که با نگاه آتشین و لبخند درخشان خود با خواندن شعر و سرود انقلابی عزم راسخ و روحیه انقلابی به حاضران می بخشید هرگز از خاطره همزمسان و همشهریان مبارزش فراموش نمیشود:

من پیشمرگه‌ی کوردستانم	بومن به کن روز و شوی	پیشمرگم وهوزم شوی
.....	خه بویله چاوم ناکه شوی	دوا روزی پیروزیم شوی
قهت ناشکیم ونا به زم	من پیشمرگه‌ی کریکارانم	روله‌ی شهرو خوینم شه من
ثا زادیه رووگه‌ی هه زم	ثا مادی جهنگه‌ی مه‌یدانم	میژووبه‌ی دینم شه من
من گیانی تو له و نا گرم	چینی هه زارم خوش شوی	
بیدادنه سوتینی کسوزم	نازیم شه گه ربو شه و نه‌وی	

++++

(بقیه - پیشواز...)

حزب دمگرات از آنان سخنانی	میخواهند از نمره مبارزات توده	سپس نمایندگان سازمان
ایراد نمود.	ها برای بقدرت رسیدن خود استفاده	چریکهای فدائی خلق ایران و
او همچنین با اشاره به خیانت	کنند، توده‌ها را به عمل مستقیم	چریکهای فدائی خلق به ترتیب
پیشگی بنی‌مردود دیگر لیبرالها که	انقلابی و بدست گرفتن سرنوشت	سخنانش ایباد کردند.
	خوبش فرا خوانند.	

نثر شعری انقلابی برای شهیدای نبرد بزرگ سقز

پیروزی بزرگ عملیات شهید فواد در سقز در روحیه مبارزاتی مردم منطقه تا شیروان عکاس بزرگی بجای گذاشته است. پیشواز عظیم و پرهیجان مردم بوکان از پیشمرگان کومه له و شرکت وسیع آنان در تشییع جنازه شهیدای این نبرد پیروزمند، نشان دهنده این روحیه عالی میباشد. بدین مناسبت نامه ها و نوشته های زیادی به خبرنگار ما رسیده که هر کدام مبین نگرش و جنبه ای از این شور و هیجان انقلابی است. با سیاست و درود انقلابی برای همه این رفقا، یک قطعه زیبای کردی (با کمی تلخیص) و نیز یک شعر کردی را که تحت تاثیر این پیروزی و در فضای احساسات رزمندگان شهید بوکان نگاشته شده در اینجا درج میکنیم:

گوردستان! گوردستانی شورشگیر! توانامری! گوردستانی شورشگیر!

کاتیک تهرمی پیروزی "ناسر" و "حه مه" و
"عمبو"م له سردخانه دیت... خوم بی رانده گبیرا ،
هه رسیکبا تم ده ناسی، ده مناسین و خوشم ده ویستن ،
له گهلان دوابووم، له گهلان زیابووم، زویم قسه ویاس له
گهل گریبوون،... نه سلی نوی تاهه زرووی ته جره به به ،
تینوی زانینه! تپستا شهوانه له سردخانه ن!
خوم بی رانده گبیرا، ده هاتمه ده ری و ده جوومه وه
زوری، سه رم هله ده دانه وه و به دلما ده هلسات ؛
"توباییسی... ؟"

زرمه ی بی و خرمه ی چهک و گرمه ی ده تگیسی
هه زاران شینسان خه م و خه ون و خه یالی شیوانه ،
سنوری نیوان گبان و له شی.شکانه ، جه ننازه ی
مردوی بزوانه ، له زین... له زین و پاشان فرین!

بازی سبی بالی راده وه شانده و هه زاران لئوی
گورد سه ری بو داده ته وانده! شاخو بالنده ی زانا
له سه سه ری کی ده تیشیته وه؟ کییه ته تخت و به ختی
به نه سبب ده بی؟

هه زاران کور و کبیزی زه حه تکیش هه زاران
ده ست و ده تگ به رز ده که نه وه :

"شیمه، شیمه گشتمان!"

بازی سبی بالی راده وه شانده و هه زاران
هلاکارو بوسته ر ده که وتنه سه ما، سه مای سه رگ
به زین، تاریکی تارین .

ده ریای خروشان خه لک ده سه که وتی حه ماسه ی
سه قزی ده وه دابو - چهک و دیل - ده ریای
مونجی شه دا و من شه مکوت :

پیشمرگان کومه له حمله مزدوران رژیم به روستای "کرجو" سندج را دفع کردند.

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه کشتار و سرکوب منظم خلق کرد، بارها به روستاهای اطراف سندج (دادانه، مهران، کرچو) یورش آورده و هر بار با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است. رژیم جمهوری اسلامی هر بار که ستونی از نیروهای سرکوبگرش را به این مناطق فرستاده، خشم انقلابی زحمتکشان روستاها را شعله ور ساخته و هر بار پیروزی پیشمرگان انقلابی بردشمن روحیه مبارزاتی مردم را بالاتر برده است.

مزدوران رژیم در این فصل که معمولات گشاورزی و میوه جات آماده فروش شده است، راهها را بند آورده اند تا معمولات زحمتکشان منطقه از زمین برود و مردم در فقر و گرسنگی شدید عذاب ببینند و به تسلیم و ادا رشوند. ولی سر مردم همچنان استوار بر فسادین سرکوبگران ایستاده اند. بدینسان نه محاربه اقتصادی رژیم و نه حملات منظم هیچکدام نتوانسته است مبارزه بر علیه رژیم را کاهش دهد و بلکه هر روز این مبارزه را شعله ورتر ساخته است.

در اینجا ما شرح یورش اخیر رژیم و حمله متقابل پیشمرگان کومه له را ذکر میکنیم: در ساعت ۵ صبح روز ۶/۶/۶۰، یک ستون از نیروهای دشمن که مرکب از ۱۲ الی ۱۵ ماشین بود، بجهت سرکوب مردم روستای "کرجو" به حرکت درآمد. از طرف دیگر نیز تعدادی خودرو برای بردن جسد بقیه در صفحه ۸

(بقیه - کردستان ۱ ۰۰۰)

دستگیری یک مزدور رژیم در بانه

۶۰/۶/۵ - یکدسته از پیشمرگان کومه له (پل شهید محی الدین) قسمتی از جاده بان - سنجر را به کنترل خود در آورده، به با رسیدن اتومبیل ها پرا خنند و برای مسافران در باره سیاست و مواضع کومه له، وضعیت لرزان رژیم جمهوری سلامی، جنین مقاومت خلق کرد و لزوم ترک هر چه فدا لایق نبوده در آن به تبلیغ پرداختند. طی ایستگاه با زبدها یک نفر سیخ بدین سلاح بنام امید علی ناصری که در یک پیکان ارسفزارم باند پیوست بدست پیشمرگان به اسارت در آمد.

(بقیه - پیشمرگان کومه له) دوپا ساری که چندی قبل توسط کومه له در مقابل اعدام رفقانی در بند اعدام انقلابی شده بودند، به منطقه آمدند. سیروهای دشمن از هر طرف با مقاومت و تعرض مقابل پیشمرگان کومه له (پل شهید جلال) مواجه شدند.

هنگام بازگشت، تعدادی ۶ ماشین از سیروهای دشمن به کمین پیشمرگان افتاد که با کشودن آتش سلاحهای خود بر روی آنها ۳ اتومبیل (۲ اتومبیل حامل کالیبر ۵۰ و یک ریل ارتشی) از جاده منحرف شده و در نتیجه زایل ارتشی و از کون و ۲ تانک دیگر از کار افتادند.

سر نشینان اتومبیلهای حامل کالیبر ۵۰ گشته و رجمی شد که در نتیجه دشمن مجبور به فرار و عقب نشینی شد. در این عملیات یک از پیشمرگان کومه له، رخمی و جنبه به سلامت به پایگاههای خود با رگشتند. از تعداد کشته و رجمی جان دشمن اطلاعی در دست نیست.

ندلیس هانی ههستانه دهنگی خرونی ...
بازی سپی بالی راده و دستاید و له سوار
شه پولنی ده ریادا مه لوی ده کرد!
بازی سپی له ده فعی شایالی ده دا و له
سدرخانه ده هاند ده ر، بدرز ده یوو ده مروه
شامان، لوول ده یوو ده روه و زهوی له بهر سوری
خه لک له تگه ری ده کرت، له گهل پلاکارد و پوسنر
ده گه و ته به ما، له نا و شه پولی ده ریادا مه لوی
ده کرد و من له نی سارده و ده یوو "ناسر" و "خمه"
و "عهبو" م ده دیت که نیس و زینی داوه به سفر
و بوکان!
تیکسرا، پریه دل، پریه ده تک ها وارمان
کورد:

"کوردستان! کوردستانی شورشکیر!
تسویا موری!"

۶۰/۶/۶



پیشمرگه‌ی کاروانی نوی

بر شهید ناسرو باوریکانی

له کوردستانی،
هزاران سالی گول و به فره وه
نواي چهنده ها جار
تیشگان وهه ههستانه وه
نیستا شه بییم،
پیشمرگه‌ی کاروانی نوی
به ره و دوا لوتکه‌ی سه رگه و تر
به بی و جان
به بی کۆلدان ههنگاو نه نی
نیستا شه بییم،
پیشمرگه‌ی کاروانی نوی
له سهنگه ری ره نه ده رانه وه
له سهنگه ری کریکارانه وه
رووه و دوزمان شه جهنگی
بی که راسه وه
به کیوی مهرکا هه ل شه زنی
نیستا شه بییم،
که به ناوه خت، پیشمرگه‌ی یک
به ره شه پای مهرک
کولی زبانی شه ژاکی

کورج ها وریکه‌ی:
هه مان سهنگه ری نه و
هه مان ری ویتی نه و
هه مان خه بانی نه و شه گری
نیستا شه بییم،
که به ناوه خت، پیشمرگه‌ی یک
به ده سنی تاوان،
به هاری خدی شه خکی
له شامانی کریایی خه لکی دا
وهک شه سیره،
شه سینه وه
له وه رزی زبانی خه لکی دا
وهک و ره ی که ش،
نا برینه وه
نه ی کاروانی خه بانی نوی
ریکه ت نزدیک بی یا دور
روژت هه لندی
نه ی کاروانی تاوانی نوی
من شه زام،
زوو یان دره تک
نه کدیید جیی
شیری : ج. به فریس

پشتیبانی حزب دمکرات از سران رزگاری و ماجراجویی رزگاری - دمکرات در کامیاران ادامه دارد .

پیشمرگان کومهله و یک تن از پیشمرگان پیکار به سادات رسیده اند .

حزب دمکرات با ادامه دادن به پشتیبانی از سران رزگاری نشان میدهد که خود نیز میخواهد سیاست توطئه گرانه آنان را علیه کومهله عملی سازد . و گرنه چرا بعد از هشدارهای مکرر ما بر پشتیبانی خود از آنان شدت بخشیده بنا براین سازمان ماحق دارد مسئولیت شهادت رفقا یمن و نیز جنگ افروزی کتونی را در کامیاران ، برعهده حزب دمکرات بگذارد .

ما بنا به احساس مسئولیت در مقابل خلق کرد و جنبش مقاومت ، همچنان از حزب دمکرات میخواهیم که از سران مزدور رزگاری پشتیبانی ننماید و برای پایان دادن به این درگیری از راه سیاسی با ما به مذاکره بپردازد . در همان حال ما اعلام میداریم که هرگونه تحریکات و تعرضات رزگاری - دمکرات را با قاطعیت انقلابی پاسخ خواهیم گفت . اینک برای اطلاع بیشتر ، " اطلاعیه شماره ۲ کومهله - کامیاران " را بنظرتان میرسانیم :

چنانکه در خبرنامه شماره ۱۳۷ ضمن انتشار اعلامیه و اطلاعیه شماره ۱ کومهله - کامیاران به اطلاع رساندیم عده ای از سران مزدور و جنا پیکار رزگاری بمنظور ادامه توطئه های فدا انقلابی خود ، در کامیاران به حزب دمکرات ملحق شده اند . طی همان اعلامیه و اطلاعیه ، کومهله - کامیاران عواقب خیانت با رهپوستن سران رزگاری را به حزب هشدار داده بود و خواستار جدی طرد عوامل مزدور شده بود . لیکن حزب دمکرات ضمن بی اعتنائی به این هشدار و ادامه دادن به پشتیبانی خود از مزدوران رزگاری همراه با آنان شروع به تحریکات و تعرضات مسلطانه علیه هواداران و پیشمرگان کومهله نمود . البته این تعرضات با تعرض متقابل و انقلابی پیشمرگان کومهله و پیکار ، در کامیاران روبرو گردید . درگیریهای مسلحانه بین رزگاری - دمکرات از یکطرف و کومهله - پیکار از سوی دیگر در کامیاران هنوز ادامه دارد .

از ابتدای درگیریها تاکنون تعدادی از نیرو های رزگاری - دمکرات کشته و زخمی و ۲ تن از

اطلاعیه شماره ۲ کومهله - کامیاران

درباره

توطئه های اخیر مرتجعین رزگاری در منطقه

هم میهنان مبارز !
خلق رزمنده کرد !
زحمتکشان کامیاران و زاوه رود !

در اطلاعیه شماره یک به اطلاع رساندیم که بدنبال پیوستن سران مزدور رزگاری و دیگر جنا پیکاران وابسته به رژیم فاشیستی بعث عراق به حزب دمکرات به منظور توطئه بر علیه نیروهای انقلابی و درخواست ما از حزب دمکرات جهت طرد این خود فروختگان از صفوف خود ، حزب دمکرات در منطقه کامیاران به پشتیبانی از این عوامل مزدور دست به تعرض بر علیه پیشمرگان و هواداران سازمان ما و پیکار روز حمتکشان مبارز منطقه زد . همچنین خاطر نشان ساختیم که پس از تصرف مقر رزگاری - دمکرات در روستای " طا " توسط پیشمرگان ما و پیکار از بعد از ظهر روز ۶۰/۵/۳۱ افراد رزگاری - دمکرات با خمپاره و کالیبره هوقناسه مجدداً آن روستا را مورد حمله قرار دادند و اینک تعرضات نیروهای مشترک رزگاری - دمکرات و مقاومت و تعرض متقابل پیشمرگان کومهله و پیکار در ناحیه کامیاران را از تاریخ ۶۰/۶/۱ تا ۶۰/۶/۳

باگامسی میرسانیم:

۱- روز ۶/۶/۶۰ درگیری بین عوامل رزگاری - دمکرات و پیشمرگان کومه له و پیکار در اطراف روستای " طا " در تمام طول روز شدت ادامه داشت. در تیردهای این روز حداقل دوتن از افراد رزگاری - دمکرات کشته و عده ای از آنان زخمی گردیدند. در این روز عده ای از نیروهای رزگاری - دمکرات وارد روستای " طا " شدند.

۲- در ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب روز ۶/۶/۶۰ پیشمرگان کومه له و پیکار مستقر در ارتفاعات مابین " پشاوره - فارس آباد " و گردنه شاهینی تعرض گسترده ای را بطرف سنگرهای عوامل رزگاری - دمکرات آغاز نمودند و طی نبرد سخت و قهرمانانه چندین سنگر آنان را به تصرف درآوردند و نیروهای رزگاری - دمکرات را مجبور به ترک سنگرها و عقب نشینی به ارتفاعات مابین " سرچی " و " طا " نمودند. در این جریان به پیشمرگان ما هیچگونه آسیبی وارد نشد ولی عده ای از آنان کشته و زخمی شدند.

۳- در سرگانه روز ۶/۶/۶۰ عوامل رزگاری - دمکرات در حمایت آتش شدید خمپاره و در حالیکه با کالیبر ۵۰ و قناره سنگرهای پیشمرگان کومه له و پیکار را مورد هجوم وحشیانه قرار داده بودند، از روستای " طا " بطرف روستای " هنی من " شروع به پیشروی نمودند ولی بر اثر مقاومت پیشمرگان کومه له و پیکار مجبور به عقب نشینی و ترک مواضع خود شدند و در جریان خمپاره باران شدید روستای " هنی من " و باغات اطراف یک نفر از اهالی روستای " هنی من " و کودکی از اهالی " طا " زخمی شدند. و چندین خانه مسکونی و به تعدادی از باغات آن روستا خساراتی وارد آمد.

۴- در سرگانه روز ۶/۶/۶۰، لحظاتی چند پس از آغاز حمله و حشیانه عوامل رزگاری - دمکرات به روستای " هنی من "، پیشمرگان کومه له و پیکار از چند طرف دست به تعرض متقابل زده و نیروهای مهاجم را به فرار بطرف روستای " طا " وادار نمودند. در جریان این تعرض متقابل چند نفر از نیروهای رزگاری - دمکرات کشته و زخمی شدند.

۵- در سرگانه همین روز و همزمان با تعرض متقابل پیشمرگان در جبهه " هنی من " - " طا " چند دسته از پیشمرگان کومه له و پیکار در حالیکه بوسیله آتش مسلسل های سبک و سنگین پیشمرگان مستقر در ارتفاعات مشرف به روستای " فارس آباد " و " فرج آباد " حمایت میشدند، تعرض گسترده ای را بطرف روستای اخیر که با یگانهای ملی عوامل رزگاری - دمکرات مبادا آغاز نمودند که سرانجام در بعد از ظهر همین روز روستای " فرج آباد " را به تصرف خود درآوردند.

۶- در بعد از ظهر روز ۶/۶/۶۰ چند دسته از پیشمرگان کومه له و پیکار در پاسخ به تعرضات مسدا و عوامل رزگاری - دمکرات مستقر در روستای " بزوش " سنگرهای آنان واقع در اطراف این روستا را مورد تهاجم قرار داده و یک دسته از پیشمرگان بداخل روستا نفوذ و تا نزدیکی مقر رزگاری - دمکرات پیشروی نمودند. در این جریان چندین سنگر آنان به تصرف پیشمرگان کومه له و پیکار درآمد و مقداری از نیروهایشان کشته و خسارات زیادی به آنان وارد آمد. متأسفانه در این درگیری یکی از پیشمرگان قهرمان کومه له به نام " کاک مظفر هورامان " و یک نفر از پیشمرگان قهرمان پیکار به نام " کاک ارسلان خلیلی " به شهادت رسیدند. لازم به یادآوری است که همزمان با ورود پیشمرگان بداخل روستا عوامل رزگاری - دمکرات از طریق " گازرخانی " روستای " بزوش " را مورد خمپاره باران قرار دادند. لذا پیشمرگان به خاطر جلوگیری از کشتار مردم بی دفاع روستا را ترک و در سنگرهای اطراف آن موضع گرفتند.

۷- در شبانگاه همین روز پیشمرگان کومه له و پیکار مستقر در ارتفاعات " فارس آباد " و " فرج آباد " در گردنه " شاهینی " باقی مانده سنگرهای افراد رزگاری - دمکرات را مورد حمله قرار داده و آنان را تارومار نمودند.

۸- در سرگانه روز ۶/۶/۶۰ پیشمرگان به تعرض انقلابی خود بر علیه رزگاری - دمکرات ادامه داده و سنگر به سنگر آنان را وادار به عقب نشینی نمودند و در ساعت ۹/۵ صبح تپه های پشت روستای " طا " و قبرستان " طا " را به تصرف خود درآوردند و در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر پیشمرگان کومه له و پیکار با نظم کامل وارد روستای " طا " شده و مورد استقبال گرم اهالی روستا قرار گرفتند و عوامل رزگاری - دمکرات بطرف گردنه " سرچی " - " کوله ساره " فرار کردند.

۹- در ساعت ۱۲ ظهر روز ۶۰/۶/۳ روستاهای " فرج آباد " و " فارس آباد " بطور کلی از وجود افسران رزگاری - دمکرات پاک شد . و پیشمرگان با موفقیت کامل وارد این روستا شدند و یکنفر از افراد مسلح آنان را در داخل روستای " فرج آباد " دستگیر و خلع سلاح نمودند و همچنین جنازه یکنفر از افراد رزگاری - دمکرات که قادر به " بردن جنازه اش نشده بودند " بوسیله پیشمرگان بداخل روستای " فرج آباد " برده شد و با کمک اهالی روستا دفن گردید .

۱۰- طی اخبار رسیده عوامل رزگاری - دمکرات همچنان به عقب نشینی و فرار از گردنه " سرچی " - " کوله ساره " ادامه میدهند . از طرف دیگر درگیری در جبهه " بزوش " تا این لحظات همچنان ادامه دارد .

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومهله) - کامیاران

۶۰/۶/۳

به یاد شهدای اخیر درگیریهای کامیاران پیشمرگان انقلابی و رزمنده کومهله

	<p>رفیق شهید ایرج شیوازی</p>		<p>رفیق شهید منظر عزیززاده</p>
--	--	--	--

رزمنده شهید رفیق ایرج (اهل شیراز و مشهور به شاهو شیرازی) از پیشمرگان جان نثاری بود که تا حالا نه و با شور فراوان انقلابی، در صف پیشمرگان کومهله به دفاع از دمکراتیسم پیگیر پرداخته بود . تا اینکه سرانجام در مبارزه با ماجراجوشی های نیروی مشترک رزگاری - دمکرات بشهادت رسید .
پادش را با تلاش در راه استحکام پیوند مبارزاتی خلقهای ایران گرامی میدانیم .

پیشمرگ فداکار و مصیمی کومهله کاک مظفر هورامی به لزوم پاک نگاه داشتن جنبش مقاومت از عناصر و دستجات مزدور اعتقاد فراوان داشت و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نورزید . وی همیشه مزدوران رزگاری و تحریکات و تحرفات رزگاری - دمکرات ، همراه با دیگر پیشمرگان کومهله - کامیاران به تعرض متقابل دست زده و سرانجام جانش را در این راه فدا کرد .

پادش را با ادامه راهش گرامی میدانیم .

تظاهرات شبانه ، شکلی نوین از مبارزات مردم مهاباد .

نشیب های فراوان همچنان روبه گسترش بوده است . از اوائل بهمن ماه ۵۹ که پیشمرگان کومهله با عملیات شهر " احمد " تعرض خود را آغاز کردند ، اینگونه تعرضات با برنامهمزدوران رژیم را درمها با دسراسیمه و هراسان کرده است .

بخصوص پس از پیروزی عملیات شهیدای تبریز " که منجر

دستت میبایند . در شهرمها با ده سال گذشته پس از خمپاره باران و کشتار صدها تن از مردم بی دفاع بالاخره به تصرف ارتش ضد خلقی و پاسداران سرکوبگر درآمد نیز مبارزات مردم علیرغم غفغان شدید و علیرغم فسرز و

تجارب مبارزات چند سال اخیر ایران و بخصوص تجارب مبارزات سیاسی توده های انقلابی شهرهای کردستان نمونه های جالبی بدست میدهد از اینکه توده ها با به پای رشد جنبش و به تناسب تغییر شرایط عینی هر روز به شیوه جدیدی برای مبارزه



رفیق شهید
منظر عزیز زاده

به گذشته وزخمی شدن بیش از ۳۰ تن و اسارت ۱۱ تن از مزدوران توسط پیشمرگان کومه له گردید، دیگر پاسداران و جاشها جرات نمیکنند با شدت سابق به تفتیش منازل و دستگیری مردم بپردازند. همچنین اختلافات پاسداران و جاشها در نتیجه افزایش ضربات پیشمرگان از بیرون و رشد اعتراضات سیاسی مردم شهر از داخل اکنون بیشتر شده و مقرآنسان در مهدکودک تخلیه گردیده است. از طرف دیگر روحیه مبارزاتی

مردم و بخصوص جوانان عا اینتر شده، توده آنها و اکثریت آنها حرات خودتاشی ندارند، پاسداران و جاشها از ترس پیشمرگان جرات نخله گردی ندارند و در نتیجه شبها محلات شهر در دست مردم است. جوانان مبارز شهرها با دازاین وضعیت جدید برای پی ریزی شکل تازه ای از مبارزه استفاده کرده اند از جمله: مدتی است که در محلات شهر از طرف جوانان تظاهرات شبانه برپا میشود. در یکی از این تظاهرات حدود ۸۰۰ نفر شرکت کرده بودند و بیه

پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق کرده و پیشمرگان شعار میدادند. اکنون در آستانه فوسف و تزلزل رژیم لرزان جمهوری اسلامی و بویژه پس از تعرض انقلابی کومه له مدتی است جنبش مقاومت گسترش و شکوفایی جدیدی یافته است. می بینیم که مبارزات سیاسی مردم شهرها کردستان نیز رفته رفته اشکال تازه ای از این قبیل به خود میگیرد.



تظاهرات کنندگان در مراسم تشییع جنازه شهدا: "زنده باد انقلاب!"

گوشه ای از تشییع جنازه پیشمرگان کومه له که در تبرجما سی سقزیسه شهادت رسیدند.





تظا هرکنندگان در مراسم
تشییع جنازه شهدا :
"زنده باد انقلاب!"

گوشه ای از تشییع جنازه
بیشمرگان کومه له که در
نبرد حماسی سقزیه
شهادت رسیدند .

